

سجاد باغبان در ادامه از آقای روح بخشان برای شروع بحث خواستند تحلیل اولیه از این نمایشگاه را ارائه بدهند:

زرران روح بخشان گفت با نگاه به این آثار می شود دو نکته کلی را دریافت کرد یکی اینکه تقریباً تمام نقاشی های این نمایشگاه گیرایی تکنیکی خوبی دارند؛ یعنی فارغ از فرم و موضوعی که دارد به تصویر می کشد چیزی که مخاطب را در همان نگاه اول جذب می کند تکنیک اجرایی معیری زاده است و نکته مهم دیگر که در بیانیه نمایشگاه هم اشاره کردم این است که به سبب آشنایی ایشان با سنت نقاشی ایرانی به لحاظ ترکیب بندی و فرم و به خصوص در جزئیات؛ ارجاعات خیلی ظریفی به تاریخ هنر می بینیم البته نه فقط تاریخ هنر ایران. و عنوان نمایشگاه که ارجاع دارد به داستان هفت پیکر و ماجرای هفت پیکری که به شکل خیلی هوشمندانه نظامی و بعد از آن جامی از فردوسی وام میگیرند و گسترش می دهند در این کارها درست به همان سبک و سیاق سنت نگارگری که نگاره ها برای یک متن ساخته می شدند انگار که هر کدام از این کارها هم برای بخشی از متن جدیدی که در واقع خوانش آقای معیری زاده از هفت پیکر در جهان معاصر است ساخته شده اند.

در ادامه دکتر علی نیکجو از منظر روانشناسی به تحلیل کارها پرداختند:

کاری که آقای معیری زاده می کند قدم گذاشتن از وادی سنت به سمت مدرنیسم است که نه مدرن ها خیلی می پذیرندش نه سنتی ها بر میتابند، ولی به نظر می رسد که معیری زاده دارد مهرخود را بر تارک هنر این مملکت می کوبد و آن راهی را که با بصیرت شروع کرده پیش می برد. فروید معتقد است خلاف آنچه که دکارت می گوید بزرگترین تفاوت ما با حیوانات این است که ما قدرت عاقله داریم و فکر می کنیم؛ اتفاقاً فروید معتقد است که ما انسانها بر اساس ناآگاهی و نا عقلی مان و ناخودآگاهمان، عمل و رفتار می کنیم و این یکی از ضرباتی بود که فروید به خودشیفتگی تاریخ بشری وارد کرد. از این منظر است که فروید شخصیت محبوبی در میان جامعه بشری نیست. فروید معتقد است که آنچه که ادبیات و هنر خلق می کند یک سوی بیرونی دارد که خود خالق اثر هم می تواند به خوبی در مورد آن توضیح بدهد اما یک محتوای پنهانی دارد که ممکن است از ناخودآگاه خالق اثر منشأ گرفته باشد.

دکتر صادق رشیدی تحلیل این آثار را در زمینه نشانه شناسی ادامه داد:

کارهایی که از سعید معیری زاده دیده ام کارهای بسیار خوبیست بماند که از نظر تکنیکی هم جای بحث دارد.